

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰

## ایجاد "کمیته ها و شورا های دفاع از خود" تنها را تأمین امنیت جمعی!

دوشنبه- ۲۱ میزان ۱۳۹۹ - کابل: همشهریان عزیز! هرگاه دقت نموده باشید از چندی بدین سو، دو جریان که در واقعیت امر مکمل یک دیگر اند به موازات هم در شهر کابل با حدت و شدت غیر قابل وصفی پیش می روند. روند عدم امنیت از خس دزدی گرفته تا راهگیری، سلب امنیت مردم، زورگوئی و زور گیری تا سرحد کشتن مقاومت کننده، سرقت های مسلحانه و به نمایش گذاشتن "غرب وحشی" و یا عملی ساختن فلمنامه ترکی "چقر" در پایتخت کشور؛ روند دیگر حضور پر رنگ رسانه ها در نمایش چنین صحنه هائی و انتقاد شدید از دولت دست نشانده و کارکرد های آن در قسمت تأمین امنیت شهروندان. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- بادر نظر داشت این که وقتی ۲۵ سال قبل امپریالیسم امریکا و مجریان منطقه ئی آن تصمیم گرفتند تا طالب را به مثابه پیاده نظام ناتو و قدامه لشکر "ناتوی اسلامی" بر شهر کابل مسلط بسازند، بسیار آگاهانه از جناب نوکران زرخیز شان در درون تنظیم های جهادی، ضمن آن که شهر کابل را به هشت قسمت تقسیم نمودند که در اکثر مواقع عبور از یک قسمت شهر به قسمت دیگر آن مشکل تر از عبور از دیوار برلین حین موجودیت دو المان و یا عبور از سرحدات مکسیکو به ایالات متحده بود، عدم امنیت چور و چپاول، بی حرمتی به زنان و مردان و غارت و قتل و کشتار را به جایی رسانیدند، که سقف توقعات باشندگان کابل به اندازه سقف توقعات انسان غار نشین در قرون اولی پائین آمده، مردم به همین راضی شده بودند، که کافیسیت در خانه مصونیت داشته باشند. بر همین مبنا بود که وقتی طالب آمد و شهر را به گورستان و زندان باشندگان آن مبدل نمود، مردم چندان عکس العمل عاجلی نشان ندادند و از همین راضی بودند که حد اقل در درون چار دیواری خانه های شان، مصونیت دارند.

۲- مشاهده و مقایسه وضعیت کنونی با آستانه آوردن طالب، می باید هر انسانی را به خصوص آنهایی را که نمی خواهند قضایا و حوادث آنها را غافلگیر بسازد، بدین اندیشه بیندازد، که چه گپ است و چرا چنین شده است؟ آیا نظام استعماری به نقطه آخر خود رسیده است و بیش از این توان و ظرفیت ندارد و یا این که باز هم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه مصمم شده اند تا باردیگر طالب را بر سر کار آورند و تمام آنچه اتفاق می افتد ضمن آن که برخاسته از ظرفیت های محدود و حاکمیت فساد در دولت دست نشانده می باشد و یا بهتر است نوشت فساد حاکم و ظرفیت محدود حاکمیت بستر پیدایش و رشد چنین وضعیتی گردیده، به موازات و با استفاده از همان بستر موجود، امپریالیسم امریکا و مجریان منطقه ئی آن بسیار آگاهانه چنان جوی را به وجود آورده اند، که باز هم

ذهنیت ها را متوجه طالب ساخته، مجدداً با پائین آوردن سقف توقعات مردم در همان حد مصونیت در داخل زندان چار دیواری خانه، آماده پذیرش طالب بگردند.

همشهریان عزیز!

می نمی دانم شما چگونه می اندیشید، مگر خودم به مثابه فردی که آن دوران را با تمام وجود تجربه و درک نموده ام، زمانی که به نقش رسانه ها در نمایش وضعیت موجود حتا با "سیاه نمائی" برخی از آنها بر می خوریم و می بینیم که برخی از آنها مانند تلویزیون سفارت امریکا در کابل یعنی طلوع، فقط درب "مرده خانه" ها را باز نموده از زنان ماتمдар گزارش پخش می نمایند و در نهایت از زبان یک زن زیر چادری افسوس زمان طالب را انعکاس می دهند، بیشتر بدین نتیجه می رسم که هر دو روند هماهنگ یعنی عدم امنیت و انعکاس خبری آن، مکمل یک دیگر بوده، امپریالیسم و ارتجاع تلاش می ورزند، تا در عین حالی که از دولت دست نشانده اعتماد زدائی می کنند، توجهات را متوجه طالب ساخته، می خواهند باز هم خلعت قدرت را بر تن آنها بپوشانند. اعلامیه چند روز قبل طالب در همین زمینه و انعکاس آن از طریق رسانه ها را نباید فراموش نمائید.

همشهریان و هموطنان عزیز!

این درست است که دولت دست نشانده در اساس نه ظرفیت تأمین امنیت مردم را دارد و نه هم می خواهند در آن زمینه کاری انجام دهند، زیرا منافعی که آنها در نبود امنیت دارند، به ده ها بار بیشتر از زمانی است که یک حاکمیت قانونمند در افغانستان وجود داشته باشد، مگر این بخش دیگر را هم نباید فراموش نمائیم که بدیل معرفی شده و تجربه شده از جانب امپریالیسم و ارتجاع یعنی طالب، نیز چیزی نیست که در خور انسان امروزی در ختم ربع اول قرن ۲۱ باشد. زیرا انسان امروزی نه انسان عصر قرون اولی و مغاره نشین است که سقف تمام توقعاتش به حفظ حیات در درون مغاره محدود شود و نه هم می خواهد و می تواند آن چنان انسانی باشد. بلکه انسانی است که در کنار تأمین امنیت جانی، امنیت شغلی، اقتصادی و فرهنگی، برخوردار از حقوق و آزادیهای دموکراتیک را که شایسته انسان معاصر است، نیز بخش اجتناب ناپذیر سقف توقعات خود می داند.

همشهریان و هموطنان گرامی!

هرگاه شما هم با من در این سقف توقعات موافق باشید، می باید بپذیریم که بدیل طالب چیزی به جز ادامه رقتبار و دردناک و وضع کنونی نیست، در نتیجه می باید خود تلاش بورزیم تا به جای هر دوی آنها بدیل مردمی و انسانی را جایگزین آن بسازیم. من در تمام نوشته هایم از بدیل "کمیته ها و شورا های دفاع از خود" یاد نموده ام، مطمئن باشید که تشکیل چنین کمیته هائی، به هیچ وجه افاضات تئوریک نیست، بلکه تئوریزه کردن تجربه مستقیم خود ما در حد کوچه ماست که به یمن جانفشانی جوانان چند کوچه همسایه در کنار هم قرار داریم، به گفته مردم "طلای سرخ را کسی از روی سرک بر نمی دارد" تا چه رسد به این که به کسی آسیبی برسد.

همشهریان و هموطنان گرامی!

شما هم می توانید در هر قسمت از بزرگشهر کابل که زندگانی می نمائید، از همین اکنون با باشندگان کوچه و در نهایت محله خودتان، پایه و اساس چنین کمیته هائی را بریزید، مطمئن باشید با این کار نه تنها برای خود، فرزندان و خانواده تان امنیت را تأمین می دارید، بلکه قادر خواهید شکی یکی از توطئه های بس خطرناک امپریالیسم و ارتجاع را نیز خنثا نموده پایه و اساس اداره شورائی بگذارید.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**